

علمی شهر مزبور که کانون چندین تن از اسنادان بزرگ عالم عرب است کار هر کسی نیست . نویسنده چنین کتابی از یکسوی باید در فلسفه از شمار استادان باشد و از سوی دیگر در انشای عربی بلند ترین مقامی داشته باشد - آیا مایه افتخار ایرانی نیست که در میان مؤلفان و نویسندگان خود چنین دانشمند پر مایه ای را دارد !؟

آقای حاجی میرزا عبدالله تالیفات مهمه دیگر نیز تدوین و چاپ فرموده اند که از جمله رساله ایشان در باره « طهارت اهل کتاب » که در سه سال پیش چاپ نمودند و در میان اروپائیان هم مایه تعجب و هم خوشنودی گردید و این تالیف آخری آن دانشمند معظم از هر حیث در خور افتخار و مباهات ایران میباشد -
احمد کسروی

انتقاد بخامنه آقای اقا مهدی بشری

﴿ ابو مسلم مروزی ﴾

حضرت آقای مدیر محترم ارمغان در شماره دهم . مجله شریفه در شرح جغرافیای بلوک فریدن مرقوم شده بود که ابو مسلم مروزی فاتح معروف از اهل فریدن بوده است چون میدانم مثل بعضی اشخاص متعصب در مسائل علمی و تاریخی از انتقاداتی که نسبت بائسار قلمیتان میشود در نجش حاصل نمیفرمائید و مقصودتان کشف حقایق است لذا اگر اجازه فرمائید تحقیقانی که بنده در خصوص مولد حقیقی ابو مسلم کرده ام بعرض برسانم .

این فاتح بزرگ را مورخین بعضی اصفهانی و بعضی خراسانی نوشته اند و بگمان بنده جامع تر و موثق ترین منابعی که مولد ابو مسلم را معین کرده است (وفیات الاعیان) قاضی ابن خلکان است که مدیر محترم هم اشاره بان فرموده اند مورخ مذکور گوید (و کان ابوه من رستاق فندین من قریه یسمی سنجر د و قبیل انه من قریه یقال لها ماخوان علی سته فراسخ من مرو) فندین را معجم -

البلدان از دهات مرو میدانند پس پدر ابو مسلم خواه از بلوک فندین و خواه از قریه ماخوان باشد در هر صورت مروزی است و از این جهت بابو مسلم مروزی معروف است و اگر در چاپ طهران و فیات الاعیان در هامش کتاب نسخه بدل فندین را فریدین نوشته اشتباه است و ظاهراً تا کنون کسی ادعا هم نکرده است که پدر ابو مسلم فریدنی یعنی اصفهانی باشد تنها اگر این نسبت داده شده بخود ابو مسلم است و مولد خود این شخص بزرگ مورد تردید گردیده که ایاجی اصفهان است یا محل دیگر در آن جا هم باز خوب است دنباله بیانات ابن خلکان را (که گویا در بین مؤلفین عرب بکثرت دقت و سعه اطلاع کمتر نظیر دارد) بگیریم مشار الیه میگوید پس از اینکه پدر ابو مسلم فندین را بطور مقاطعه از والی خراسان برداشت و از اداء مال المقاطعه عاجز گردید باتفاق کیز خود که بابو مسلم حامل بود بطرف آذربایجان رهسپار شده عبورش برستاق فاتق (که در ابن خلکان چاپ طهران فایق نوشته شده) افتاد عیسی بن معقل عجلی برادر ادریس بن معقل جد ابودلف معروف دران رستاق بود پدر ابو مسلم پس از اینکه چندی در پیش عیسی ماند کنیز حامل خود را در فاتق گذاشت و خودش بطرف آذربایجان رفت ابو مسلم در رستاق فاتق از آن کنیز متولد شد باز ابن خلکان در صفحه بعد گوید (وکانت ولادته فی سنه مائه للهجره فی رستاق فاتق بقریه یقال لها ما واته ویدعی اهل مدینه حبی الاصبهانیه ان مولده بها) از این بیان هم بخوبی استفاده میشود که تولد ابو مسلم در بلوک فاتق در قریه ساوانه پیش مورخ دقیق ما (ابن خلکان) تقریباً مسلم بوده و دعوی اهل حبی در نظر او مدرك و دلیلی نداشته است حالاً باید فهمید که فاتق کجاست البته در تواریخ و کتب جغرافیای اسلامی کراراً با سرشهر کرج (کرج ابودلف) برخوردیم این شهر که متأسفانه امروز نامی هم از او در میان نیست یکی از بلاد مهمه اسلامی بوده (یعنی در زمان اسلام بصورت

شهریت در آمده و جغرافی نویسان عرب آن را از بلاد مهمه عراق عجم ضبط کرده اند در مراجعه بتواریخ عرب از قبیل ثامل التواریخ و غیره انسان مکرراً باسر این شهر مصادف میشود و میبینید که این شهر سر گذشت های مهمی داشته مثلاً طلوع سلاطین دیالمه آل بویه از همین شهر شده و در همین جا بود که عمادالدوله دیلمی بر مخدوم خود مرد آویز (مرد آویج) باغی شده و بالاخره بسطنت رسید همین شهر تاریخی است که مرکز و مقر ابودلف عجمی بوده آن بنای و بخشش های بانراط از طرف ابودلف غالباً در این شهر میشده و شعراء مداح در ضمن مدایح ابودلف گاهی هم از این شهر اسم میبرده اند حریری صاحب مقامات معروف مقامه هم باسر کرچیه دارد و در آنجا اشاره بسرمای مفرط این شهر مینماید. این شهر تا زمان حمدالله مستوفی هر کجا نگارنده دیده است بطور مستقل ذکر شده ولی حمدالله و بعد از او صاحب زینت المجالس ظاهراً (چون کتاب دومبراً فعلاً در دست ندارم آنرا باسر کرهرود توام کرده و مینویسند کرچ و کرهرود توام ذکر شدن این دو لفظ در کلام این دو نفر و اینکه صاحب معجم البلدان در شرح کرچ گوید (و اهلها یسمونها کره) نگارنده را باین خیال انداخت که قصبه معروف کرهرود که فعلاً در نیم فرسخی شهر سلطان آباد است با شهر قدیم کرچ تقارب داشته و اسما از او مشتق است پس از مراجعه ثانوی بنزهت القلوب مستوفی و معجم البلدان حموی مطمئن شدم که شهر کرچ همین محلی است که امروز باسر آستانه سهل بن علی در پنج فرسخی شهر سلطان آباد واقع است اهالی آستانه عموماً معتقدند که اینجا شهر بوده و مطلعین و اهل سواد آنجا میگویند که در قدیم باین قصبه کرچ گفته میشده الان هم که دهاتیها در ایام مخصوص زیارت آنجا میروند در مقابل یک تصویر که بروی سنگ حجاری شده میگویند لعنت باهل کرچ که اولاد علی را شهید کردند حالا خواهید گفت این چه ربطی برستاق

فاتیق: مولد ابومسلم دارد برای فهم این ارتباط لازم است بمعجم البلدان مراجعه کنیم در کتاب مزبور در شرح کرج ابودلف گوید (هی فی رستاق یقال لها فاتیق و فاتیق عرب عن هفته) یعنی کرج در بلوکی است که بان فاتیق گفته میشود و فاتیق معرب هفته است حالا باین کار نداریم که عربها چطور در تعریب اسامی و کلمات فارسی بی انصافی ادبی به خرج داده هفته رافاتیق کرده اند ولی خوش بختانه موفق نشده اند که اسم هفته را مهاجور نمایند الان هر يك قسمت از بلوك كزاز عراق و يك دهی مخصوصا با اسم بلوك و ده هفته خوانده میشود و معلوم میشود لفظ كزاز جدید است و قدیما بتمام آن بلوك که آستانه فعلی و کرج آروز در آن واقع بوده بلوك هفته گفته میشده است این بلوك و نواحی از اواخر قرن اول اسلامی محل هجرت اجداد ابودلف عجللی بوده است بلاذری در فتوح البلدان صفحه ۳۲۱ گوید (وكان جد ابي دلف يمالج العطر و يحلب الغنم فقدم الجبل في عدة من اهلها فنزلوا قرية من قري همدان تدعى مس ثم ان عيسى بن ادريس نزل الكرج و غاب عليها و مدن الكرج والكرج اليوم مصر من الامصار) قریه مس که در عبارت فوق مذکور است بطور مظنون یکی از دو قریه است که امروز بطور تحریف مست خوانده میشود و یکی از آن دو در آخر خاک كزاز و تقریبا دو فرسخی آستانه و دومی در اواسط خاک شبراه و چهار فرسخی آستانه است و آنوقت جزو همدان بوده اند نتیجه اینکه وقتی ملاحظه میکنیم که ابو مسلم بروایت ابن خلکان در بلوك فاتیق و در خانه یکی از فامیل عجللیها (عیسی بن معقل) متولد شده و می یابیم که معجم البلدان فاتیق را معرب هفته و محل شهر کرج میدانند و بلاذری و سایر مورخین موطن این طایفه (طایفه عجللیها) را در این تاریخ (تاریخ ولادت ابومسلم) و بعد در همین بلوك معین مینمایند آنوقت می توانیم تصدیق کنیم که مولد ابو دلف همین بلوك

هفته عراق است و اگر بعضی مورخین بطور مطلق اورا اصفهانی گفته اند ممکن است از این باب بوده که چون آن تاریخ (سنه مائه هجری) هنوز کرج شهر نشده بوده است این بلوک گاهی ضمیمه اصفهان و گاهی ضمیمه همدان بوده است اما قریه ماوانه که در کلام ابن خلکان مذکور است ممکن است حدس بزیم که همین قریه است که در مجاور قریه هفته و در بلوک مزبور باسر بازانه خوانده میشود و ماوانه تصحیف شده بازانه است نگارنده تا جایی که می توانستم در تحقیق حال شهر کرج و بلوک فاتق و مولد ابومسلم تحقیقاتی نموده که خلاصه آنرا عرض کردم و اگر فضائلی که بمنابع دیگری دست رس دارند بتوانند تحقیقاتی عمیق تر در کشف محل این شهر تاریخی یا در تعیین مولد این شخص بزرگ (که علاوه بر موقعت برجسته خود حق بزرگی بر ایرانیان دارد) بنمایند خدمتی بعالم تاریخ و جغرافیا فرموده اند در خاتمه عرض میکنم امروز که مقامات عالیه توجه احباء آثار قدیمه ایران شده اند اگر مقرر دارند که قصبه آستانه که فعلا مرکز بلوک کزاز است باسم قدیمی خود (کرج) خوانده شود و اسم آستانه که فقط از زمان صفویه باین قصبه گذاشته شده متروک گردد خیلی بموقع است . عراق ۱۱ اسفند مهدی الحسینی ینری

مانظر دقت و کلاهی محترم سلطان آباد را بطرف نکته که فاضل محترم آقای ینری بدان اشارت فرموده اند توجه داده و امید واریم مقامات مربوطه عالیه مخصوصا وزارت جلیله دربار توجهی باین تحقیق فرموده و پس از تصدیق مقرر دارند که قصبه آستانه باسم قدیمی خود (کرج) نامیده گردد و حید

فریدن

مقاله که راجع باوضاع واحوال و جغرافیای فریدن در شماره دهم انتشار یافت در هر محلی بر حسب استعداد تأثیری کرده و نتیجه بخشیده است ، فاضل محترم آقای ینری مسقط الراس ابومسلم را درصدد تعیین بر آمده اند چنانچه در مقاله فوق